

یک دهم باقی مانده برای انهدام جهان کافی است.^۶ براساس همین توجیه، برخی صاحب نظران، سلاح های هسته ای را دارای دو چهره می دانند: چهره ای دهشت بار و چهره ای بازدارنده.^۷

• کاربرد سلاح های غیر متعارف، منحصر به دهه های اخیر نیست؛ اگرچه این کاربرد، هیچ گاه با کمیت و تنوع دهه های اخیر قابل مقایسه نمی باشد، پرسیوس - مورخ روم شرقی - نخستین بار استفاده از سلاح های دودزا را در جنگ های ساسانیان و رومیان از طریق سوزاندن گوگرد در نقب های زیر دژهای طرف مقابل عنوان کرد.

ترکان عثمانی در سال ۱۴۲۵ میلادی از همین شیوه علیه روم شرقی (بیزانس) در حمله به قسطنطنیه استفاده کردند. آلمان ها طی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۶ چند نوبت از سلاح شیمیایی علیه فرانسویان استفاده کردند. سایر موارد استفاده از این سلاح ها عبارتند از:

در جنگ جهانی اول از سوی بریتانیا، مجارستان، فرانسه، روسیه و آمریکا علیه طرف های درگیر؛ ایتالیا علیه اتیوپی در سال ۱۹۳۶؛ ژاپن علیه چین در سال ۱۹۳۸؛ آمریکا علیه ویتنام در سال ۱۹۶۰؛ عراق علیه ایران در هشت سال جنگ؛ و بالاخره استفاده وسیع عراق از این سلاح علیه مردم حلبچه در اول مارس ۱۹۸۸.^۸

سلاح های اتمی به مراتب از سلاح های شیمیایی خطرناک تر هستند. نخستین بار آمریکا در سال ۱۹۴۵ علیه مردم هیروشیما و ناگازاکی از بمب اتم استفاده کرد. پیامدهای این کاربرد ناگوار تاکنون ادامه دارد.

• آگاهان هشدار می دهند، مصلحان دلسوز، سیاستمداران را به خویشتن داری دعوت می کنند، و اندیشمندان، سرنوشت مبهم و تاریکی برای جهان پیش بینی می کنند.

«واتان» دبیرکل اسبق سازمان ملل اعلام نمود که اختصاص بودجه به تسلیحات نظامی، اتلاف بیهوده منابعی است که می تواند نیازهای میلیون ها انسان محروم را رفع کند.^۹ سایر دبیران کل این سازمان «عقل اما کم جرأت» هم شاه بیت غزل مسئولیتشان را این نکته عنوان کرده اند که لازمه صلح جهانی، انهدام و یا دست کم کاهش موجودی سلاح های هسته ای و عدم استفاده از آن هاست. آلبرت اینشتین که موشکافی های ریاضی و فیزیکی او دانش هسته ای و خرد کردن ذره را به ارمغان آورد، در اواخر عمر هشدار داد که شیخ نابودی همگانی، جهانیان را تهدید می کند. دانشمندان و طبعاً خود اینشتین در بستر مرگ، پشیمان بودند که چرا فرمول های ریاضی و فیزیکی مسایل هسته ای را قبل از آن که در دسترس دلالان سیاست پیشه قرار بگیرد، از بین نبرده اند.^{۱۰}

به موازات این دل سوزی ها و هشدارها، محدودیت های بین المللی برای استفاده از سلاح های شیمیایی و هسته ای در قالب کنوانسیون ها، تصویب نامه ها، معاهده ها و مصوبه های گوناگون شکل گرفت. از صدور نخستین اعلامیه در این زمینه نزدیک به ۱۴۰ سال می گذرد (اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ و ۱۸۷۴ بروکسل) اما از اولین معاهده بین المللی در این زمینه کمتر از یک قرن می گذرد (معاهده بین المللی ۱۹۰۷ لاهه) سایر اقدامات در این باره عبارتند از:

پروتکل ۱۹۶۵ ژنو، معاهده خلع سلاح ژنو ۱۹۷۱، کنوانسیون منع گسترش سلاح های شیمیایی ۱۹۹۳، کنوانسیون منع گسترش سلاح های بیولوژیک ۱۹۷۲،



ابوالفضل علی دوست باقری

اشاره

مقاله ای که پیش رو دارید از دو بخش تشکیل شده است.

بخش نخست چشم اندازی است به سرنوشت ناخوشایندی که بسیاری از سیاستمداران، روشنفکران و دوراندیشان برای جهان پیش بینی می کنند، و همین چشم انداز است که دغدغه خاطر آن ها را فراهم کرده است.

بخش دوم مقاله، روی دیگر سکه، سرنوشت جهان و جهانیان را نشان می دهد؛ سرنوشتی که بر محور انتظار در مذهب تشیع دور می زند؛ انتظار ظهور مردی که سرانجام به موازات خط پایانی که بر عمر سلطه گران و مستکبران خواهد کشید، با قیام خود به همه دغدغه ها خاتمه می دهد.

سرنوشت جهان انتظار ظهور

سلطه جوی بی عقل و عقل فراهم کرده و تینی در کف مستشان نهاده است.

توجهیاتی که برای این گسترش رقم خورده، به لطیفه شبیه تر است تا واقعیت. از جمله این توجهات آن است که گسترش و کثرت این سلاح ها به دلیل خطرات فراوان آن ها خود عامل پیشگیری از جنگ است. پژوهشگر و مورخ معاصر «ا. ژ. پ. تابلو» در کتاب معروفش به نام «جنگ ها چگونه آغاز می شوند؟» این را چنین تبیین می کند که قدرت های بزرگ، نخستین ضربه کاری خود را به عنوان یک ضربه بازدارنده طرف مقابل توجیه می کنند (با این نگاه هرچه قدرتمندتر باشند، زودتر جلو گسترش جنگ گرفته می شود) این پژوهشگر در ادامه می افزاید: اگرچه وجود این سلاح ها که برای از بین بردن نه یکبار، بلکه ده ها بار جهان کافی است، نوعی اهرم بازدارنده از خطر جنگ به وجود آورده؛ اما اگر این عامل حتی تا نه دهم عمل کند، همان

• آنچه آشفته گی خاطر بسیاری از مصلحان، دوراندیشان و روشنفکران جهان در دهه های اخیر را تشکیل داده، آینده مبهمی است که چهره بر کره خاک گشوده است.

انسان بر روی یک کانون انفجار زندگی می کند.^۱ پیشرفت های تکنولوژی، توان نهفته ای برای ویرانگری در بطن خود پرورش داده است.^۲ آینده روشنی پیش روی انسان نیست. دیر یا زود، آهن پاره ها جای گل بوته ها را خواهند گرفت و این در صورتی است که سلاح های هسته ای، قرن بیست و یکمی برای انسان باقی بگذارند.^۳ شیخ یک نابودی جهانی بیش از پیش انسان را تهدید می کند.^۴ آینده ای مبهم پیش روی انسان هاست و تنها یک رخداد بزرگ می تواند بازماندگان کره خاک را به خود آورد و راه تازه ای پیش پای بشر بگذارد.^۵

• این دغدغه ها عمدتاً به دلیل گسترش سلاح های شیمیایی و هسته ای است. این گستره، نوعی افسار گسیختگی برای سیاستمداران

این اعتقاد از آنجا که متقن و محکم و مبتنی بر آیات و روایات و سیرتکامل تاریخ و انسان است، به روند حرکت جهان نگاهی امیدوارانه خواهد داشت، و آینده جهان را پس از عبور از یک دالان تاریک که می‌توان آن را «ایام انتظار» نامید، به سوی یک عرصه نورانی نوید می‌دهد؛ آینده روشنی که ظهور و انقلاب حضرت مهدی موعود(عج) آن را به ارمغان می‌آورد. همین اعتقاد، تفاوت میان دو نگرش موجود است:

• نگرشی که براساس محاسبات معمولی، جهان را بر لبه پرتگاه هسته‌ای می‌داند و زوال آن را عرفاً محتمل دانسته، و نگرشی که منتظران واقعی براساس ظهور یک منجی و مصلح الهی برای جهان پیش‌بینی می‌کنند «بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!»

• انتظار فرج در فرهنگ تشیع از آنجا که به باور افراد نشسته است، علاوه بر نگاه امیدوارانه به سرنوشت جهان، آینده بشر را در امتداد حکمت الهی بررسی می‌کند. آینده‌ای که نیستی و نابودی خاک نشینان را نشان بدهد، با حکمت الهی سازگار نیست (زیرا در این نگاه، خلقت امری بیهوده می‌نماید) و البته آینده‌ای که جهان را در پرتو لطف و احسان و فطرت الهی نگاه کند، هم‌سو با حکمت خداست؛ اگرچه (بازهم بنا به اعتقاد شیعه) جهان تا رسیدن به این ایده‌آل سختی‌ها و تلخی‌های فراوانی خواهد کشید.

• انتظار فرج، پوشالی بودن قدرت‌های سطله‌جوی جهان حاضر را نشان می‌دهد؛ زیرا همه این قدرت‌ها در مقابله با قدرت الهی سپاه حق، شکست خواهند خورد؛ و سرانجام جهان در حکومت صالحان و نیکان رقم زده می‌شود.^{۱۷}

• اگر اندیشمندان، دلسوزان، روشنفکران و دوراندیشان و همه کسانی که آینده جهان آن‌ها را به فکر داشته است، «ظهور فرج» را به عنوان یک باور و فرهنگ نهاده‌اند شده در محاسبات خود وارد می‌کردند، بدون شک نگاهشان به آینده جهان دگرگون می‌شد.

انتظار ظهور و امید به فرج، هدیه‌ای الهی، خصوصاً به شیعیان و شیفتگان به امام عصر(عج) است. قدر این هدیه را بدانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، هشدار روزگار، ص ۷۱
۲. دکتر جمشید ممتاز، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ص ۷
۳. علی اکبر کسمایی، جهان امروز و فردا در تنگنای تمدن صنعتی، ص ۱۲
۴. همان، ص ۸۷
۵. هشدار روزگار، ص ۵۹
۶. جهان امروز و فردا ...، ص ۸۰
۷. حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ص ۲۵
۸. حسین علایی و بابک خواجه‌کاسی، صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، صص ۴۴، ۴۷
۹. جهان امروز و فردا، ص ۷۶
۱۰. همان، ص ۹۱
۱۱. تجارت اسلحه (گزارش انجمن جهانی پژوهش در صلح) ترجمه: ابراهیم یونسی
۱۲. جهان امروز و فردا، ص ۸۲
۱۳. همان، ص ۷۶
۱۴. همان، ص ۹۷
۱۵. شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی(عج)، ص ۱۲، مستند به آیه ۳۳ سوره فاطر
۱۶. همان، ص ۴۴ (نقل به مضمون)
۱۷. نور: ۵۵، انبیاء: ۱۰۵ و ...

اندیشمندان و روشنفکران، غیرمعمول نمی‌نماید. بی‌جهت نیست که یکی از روزنامه‌های سیاسی آمریکا، پس از تجزیه و تحلیل اوضاع جهان، ضمن اظهار ناامیدی از تدابیر انسانی، راه نجات بشر را از این وضعیت آن می‌داند که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند»^{۱۲}

روی دیگر سکه

• ظهور یک مصلح جهانی، اعتقاد مشترک ادیان و مذاهب و ملل مختلف است؛ اگرچه در ابعاد قضیه اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. اگر این مسأله به صورت یک باور اعتقادی در آید (همان‌طور که در مذهب شیعه ملاحظه می‌شود) آن‌گاه سرنوشت نهایی جهان با وجود دمل‌های چرکینی که بر پیکره‌اش مشاهده می‌گردد و حوادث سختی که بر آن خواهد گذشت، متفاوت با سرنوشتی است که دغدغه‌های گفته شده را به وجود آورده است.

قبل از توضیح بیشتر در این زمینه، با استفاده از آنچه شهید مطهری در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» آورده است، بیان نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد. ایشان در کتاب مذکور دو نگرش کلی موجود را در خصوص حرکت جامعه و تاریخ چنین تفسیر می‌کنند:

نگرش اول که می‌توان آن را «نگرش ابزاری» نامید، اگرچه به حرکت تکاملی جامعه و تاریخ و انسان معتقد است؛ اما این حرکت را مدیون تکامل ابزار تولید می‌داند و «تز» و «آنتی‌تز» و «سنتز» را که مرکز ثقل اعتقاد دیالکتیکی است، در خصوص حرکت تکاملی جامعه و تاریخ و انسان هم ساری و جاری می‌داند. در این نگرش انسان موجودی است وابسته به ابزار تولید و همه حرکت‌های تاریخی بر این اساس شکل می‌گیرد.

براساس نگرش دوم که می‌توان آن را نگرش انسانی نامید، انسان موجودی است که بر روند جامعه و تاریخ تأثیر می‌گذارد؛ اگرچه سنت‌های الهی بر تاریخ و جامعه و ملل حاکمیت دارد.^{۱۵} در حقیقت، جامعه و تاریخ، نوعی استقلال فرانسائی می‌یابد، انسان در این روند تکاملی، دست بسته مقهور طبیعت و حرکت‌های تاریخی و اجتماعی نیست.

شهید مطهری پس از تجزیه و تحلیل حرکت تاریخ و جوامع و انسان در قالب نگرش دوم (که نگرش پذیرفته شده‌ای است بر خلاف نگرش اول) سیرنهایی تکامل انسان را *آمادگی برای پذیرش حکومتی/ایده‌آل* می‌داند.^{۱۶}

همین آمادگی است که زمینه ظهور آن مصلح کل را (که اعتقاد مشترک ادیان و ملل گوناگون است) فراهم می‌کند و جهان قبل از ظهور را با همه دهشت و تلخی به جهان پس از ظهور، با آن همه زیبایی و دلنشینی پیوند می‌زند.

• نکته مهم ضریب باوری است که در این اعتقاد مشترک (ظهور یک مصلح) وجود دارد. بدون شک هرچه این اعتقاد بر رنگ‌تر و در فرهنگ جامعه بیشتر نهادینه شده باشد، امیدواری به سرنوشت نیکوی جهان ضریب بالاتری پیدا می‌کند، و آلا طبیعی است که دغدغه‌های پیش‌گفته هم‌چون موریانه‌ای بر پیکره دل و جان افراد لانه کند.

• اعتقاد به ظهور یک مصلح که به «انتظار فرج» و ظهور مردی از خاندان رسول خدا(ص) تعبیر می‌شود و جهان را با ظهور خود به عدالت و معرفت خواهد آراست، در فرهنگ تشیع از چنان استحکامی بهره‌مند است که جزئی جدا نشدنی از اعتقادات شیعه را تشکیل می‌دهد.

کنواسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ و ...

• هشدارها و تدبیرها از این حقیقت پرده بر می‌دارد که چشم‌انداز خوشایندی از آینده جهان مشاهده نمی‌گردد.

• آورده‌اند که دزدی کیفی را قاپد؛ برای رد گم کردن شروع کرد به دویدن و فریاد زدن که «دزد را بگیرد دزد را بگیرد!» مردم که امر بر آن‌ها مشتبّه شده بود، دنبال دزد راه افتادند که با کمک او دزد را بگیرند! غافل از این که دزد واقعی همان کسی است که طنین صدایش از همه بلندتر است.

دلسوزان هشدار می‌دهند، سازمان ملل، قطعنامه و کنواسیون تصویب می‌کند، اما سیاستمداران راه خود را طی می‌کنند و عجیب این که سیاستمداران که بیش از دیگران غول صلح می‌سرایند، بیش از سایرین تنور جنگ را روشن کرده‌اند. کیف را قاپده‌اند و فریاد می‌زنند که «دزد را بگیرد!»

در قافوس این سیاستمداران، دوگانگی حرف و عمل، چیز پنهان و شرم‌آوری نمی‌نماید. نیم‌نگاهی به «گزارش انجمن جهانی پژوهش در صلح استکهلم» نشان می‌دهد که ۸۶ درصد از سلاح‌های نظامی مانند هواپیما، کشتی و وسایل زرهی از سوی آمریکا، شوروی سابق، فرانسه و انگلیس صادر شده است. آمریکا از ۱۹۵۰ به بعد بیش از یک سوم سلاح‌های عمده کشورهای جهان سوم را تأمین کرده است. شوروی سابق تا سال ۱۹۵۵ به چند کشور محدود مانند ویتنام و کره شمالی اسلحه صادر می‌کرده اما روند صعودی صادرات اسلحه از این کشور به گونه‌ای شد که در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ بر آمریکا نیز پیشی گرفت.

انگلستان در دهه پس از جنگ جهانی دوم، دومین صادر کننده اسلحه بوده است. فرانسه به دنبال مطلقه‌های آمریکا بوده تا با آن‌ها خطبه عقد تجارت اسلحه بخواند؛ چنان‌که پس از تحریم آفریقای جنوبی، هند و پاکستان از سوی آمریکا، سیل ارسال اسلحه فرانسوی به این کشورها آغاز شد.^{۱۱}

پس از جنگ دوم جهانی، تاکنون بیش از ۱۴۰ جنگ کوچک و بزرگ روی داده است و بیش از یک‌سوم از جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که به نوعی درگیر جنگ هستند.^{۱۲}

«برچارد نیکسون» رئیس جمهور اسبق آمریکا که افتضاح «واترگیت» با نام او گره خورده است، طی یک سخنرانی در لس آنجلس اعلام نمود که آمریکا در سال ۱۹۲۵ دارای دو بمب اتم بود که هر دو را بر سر مردم دو شهر ژاپن یعنی هیروشیما و ناکازاکی فرود آورد؛ اما در حال حاضر در جهان بیش از ده هزار بمب اتمی با قدرت تخریبی ده برابر دو بمبی که در ژاپن فرود آمد، وجود دارد. هم اکنون در جهان خطر انفجار بمب‌های اتمی مقوله‌ای تأمل برانگیز است.

به این مقوله، هزینه سرسام‌آور ساخت و تهیه آن را نیز اضافه کنید. تنها هزینه ساخت یک زیردریایی اتمی آمریکا برابر با بودجه آموزش و پرورش دوازده کشور رو به توسعه است و با آن می‌توان هزاران مدرسه احداث نمود.^{۱۳}

• آنچه گفته شد دورنمایی جهانی را نشان می‌دهد که متأسفانه با سوء استفاده از دستاوردهای علوم و بهره‌مندی از زر و زور و تزویر، بر تپه‌ای ساخته شده است که گسل‌های زیرین آن به شدت لرزنده نشان می‌دهند.

بر این اساس، دغدغه خاطر بسیاری از